

تأملی در معیارهای انتخاب اعضای کابینه

www.GHOLAMREZAKHAKI.COM

غلامرضا خاکی

مقدمه

یکی از آفت‌های ویرانگر در تعاملات سیاسیون با مردم، بر زبان راندن اصطلاحات و کلمات آرمانی و گاه مقدس و بر پایه آنها دادن وعده‌های پوچ و ناممکن است. این آفت، شاید ریشه اصلی بسیاری از ناامیدی‌های مردم بوده و هست. چنین واقعیتی مایه آن شده تا در ادبیات مدیریت، بر بحث زبان و لحن کارگزاران و تاثیر آن در عمل به شدت تاکید شود، زیرا هر عملی بازتاب یک نظر و ایده است که ماهیتی زبانی دارد.

گریز از دام وعده‌دهی مردم

خوشبختانه دکتر پزشکیان در طول مبارزات انتخاباتی کوشید تا در دام وعده‌دادن‌های رنگارنگ نیفتد، روشن بود او به خوبی می‌داند که کاری به نام وعده جذاب دادن برای بسیاری از ایرانیان، بویژه طبقه متوسط شهری، حنایی است که دیگر چندان رنگی ندارد و دیری است که با این آتش، آبی گرم نمی‌شود. اما متأسفانه او چند و چون تدبیر برای همه امور را حواله به رای کارشناسان در آینده کرد. این رویکرد رئیس‌جمهور که همه چیز را حواله و مشروط به رای کارشناسان می‌کنند، (ضمن درست بودن در کلیات) نباید مایه این غفلت برای ایشان باشد که دعوت مردم به پذیرش دولتی که فاقد دورنما و چشم انداز به معنای علمی آن است در عمل راه گم می‌کند. نباید تصور کرد برنامه هفتم توسعه، می‌تواند همه برنامه دولت چهاردهم باشد زیرا این برنامه ابلاغ شده است، اجرای این برنامه، افزون تکالیف تدوین برنامه‌های گوناگون، نیازمند به تفسیر ویژه و برنامه‌های اجرایی مکمل است و برای عمل خود نیازمند برنامه‌ای برای اجرای راهبردی است. بسیاری از مفروضات این برنامه، چندان واقع‌گرایانه نمی‌نمایند و در اجرا دچار مشکل می‌شود و در عمل کنار گذاشته خواهد شد. (که نقد آن خارج از حوصله این نوشتار است)

باری، جناب دکتر این پرسش مهم را پاسخ ندادند که:

منظور او از کارشناسان، مدرک‌داران از دانشگاه‌های معتبر است یا آنها که کارنامه درخشانی در گذشته دارند؟

اگر چنین است این کارنامه به قضاوت چه کسانی داوری می‌شود؟ بی تردید کارشناسان و سر آغاز این جریان تسلسل بی گمان به معتمدان شان برسد و لاغیر. یعنی کسانی که ایشان آنان را کارشناسان می‌داند. براستی این کارشناسان چه کسانی هستند؟

عدالت مفهوم بنیادین دولت چهاردهم

رئیس جمهور بی گمان می‌دانند که در جامعه ما دیگر شعار و وعده عدالت مفهومی نخنماست و خیلی از ایرانیان به آن به دیده انکار و تردید می‌نگرند. ایشان بی گمان می‌دانند مردمان به شعار عدالت خواهی او رای ندادند زیرا این سخن جدیدی برای ایرانیان نیست و از خطبه‌های نماز جمعه آغاز انقلاب تا رقیب ایشان هم همین سخن را تکرار کرده و می‌کنند. از این گذشته، به نظر می‌رسد مفهوم عدالت در نگاه ایشان در همان مفهوم ارسطویی باشد که هر چیزی به جای خودش باشد. دیدگاهی که اشکال اساسی آن این است که آن جای خود پیش از هر چیز باید روشن شود و درباره آن پرسید که آیا خود آن جای عادلانه هست یا نه. مفهوم عدالت در متون کهن و مقدس به ترجمانی مدرن نیز دارد و در طول مناظرات به نظر می‌آید تصورشان همان فهم ارسطویی است که در میانه‌گرایی هر چیز سر جای خودش باشد. متأسفانه نیز مشاهده نشد که ایشان از آن تعریفی نو که کارکردی و کاربردی باشد بدهند. (هرچند تعدادی از آیات و روایات و فرازهای نهج‌البلاغه‌ای در این باره خواندند که البته در مواردی نیز ربط مستقیمی به بحث‌ها نداشت و ایشان نیز نتوانست برای تشریح پاسخ‌های خود بهره‌چندانی از آنها ببرد. امیدوارم در عمل، به سوی تعاریف نوینی از عدالت توجه کنند و بر تنگناهای ساختاری چیره شده و جلوه‌ای از آن را تحقق بخشند).

معیارهای انتخاب اعضای کابینه

تأمل در معیارهای ۱۸ گانه مطرح شده از سوی دفتر ایشان برای انتخاب کابینه، گویا بر مسیر همان رویکرد ایشان در مناظرات پیش‌رفته است، لذا ضرورت دارد از زاویه ابهام و نقص‌یابی به

۱ عدل چه بود آب ده اشجار را ** ظلم چه بود آب دادن خار را
عدل وضع نعمتی در موضعش ** نه بهر بیخی که باشد آبکش
ظلم چه بود وضع در ناموضعی ** که نباشد جز بلا را منبع (مولانا)

آن نگرینست و گفت آنچه به عنوان معیار مطرح کرده‌اند در عبارت شبیه دولت‌های پیشین است و سخنی از لون دیگرگون دیگر نگفته‌اند. اشکال عمده رویکرد ایشان این است که در ادبیاتشان تفسیرهای نو از مفاهیم و ارزشهای لوث شده در جامعه ما وجود ندارد که نسل جوان فرهیخته را جذب کند.

نقد معیارها

آنگونه که پیداست دولت آتی فاقد یک تئوری برای عمل است، این امر باعث می‌شود تا نتوان به مبنای قضاوتی برای تشخیص دولتمردان آن رسید. از این سخن گذشته می‌توان چند نکته را در این باره مطرح کرد:

۱- فقدان معیارهای توجه به آزادی و حریم شخصی افراد (گویا ایشان نمی‌دانند بدون انواع آزادی‌ها، هرگز ظلم شناخته نمی‌شود و در مسیر عدالت نمی‌توان حرکت عملی کرد).

۲- معیار داشتن نگرش ملی که از سوی ایشان مطرح شده، ابهام و نقص دارد و بهتر بود گفته شود: دارای رویکرد ملی در عمل، زیرا داشتن نگرش ملی با معیار ۳ (دوری از گرایش‌های جناحی، قومی، مذهبی و منطقه‌ای) نوعی همپوشانی و تکرار دارد، در واقع آن کس که نگرش و رویکرد ملی دارد در عمل این دوری‌ها را نیز دارد و به منافع ملی توجه می‌کند لذا بهتر بود در این معیار کلمه جنسیتی هم می‌آمد هر چند در معیار ۷ به مطالبات زنان اشاره شده است اما دوری از ظلم به زنان با مطالبات را چندان نمی‌توان مترادف دانست.

۴- در معیار ۷ باید در کنار اقوام، مذاهب هم می‌آمد جمله جامعیت می‌یافت.

۵- معیار باور به ایده صدای بی‌صدایان مفهومی گنگ و نارساست. باید از تعبیر شنوای صدای بی‌صدایان، استفاده می‌شد تا جنبه کارکردی در شخصیت فرد می‌یافت.

۶- معلوم نیست چه فرق و نسبتی از نظر ایشان میان دو معیار: اعتقاد به کارشناسی با معتقد و عامل به تخصص‌گرایی و شایسته‌گزینی هست که جدای از هم آورده اند؟

نتیجه‌گیری

تأملات مختصری که مطرح شد بازی ادبی و غلط‌گیری از انشای رئیس جمهور نیست، بلکه تأکید بر دو نکته زیر است تا در عمل خطایی رخ ندهد:

الف) بسیاری از رئیس‌جمهورها و وزراء در گذشته نفهمیدند که افراد را برای تحقق ارزشهای کدام کابینه و وزارتخانه می‌خواهند؟ با یک نامگذاری زیبا بردولت خویش، بر این گمان ساده رفتند که برای دولت مبنای نظری بنیاد نهاده اند و اکنون برپایه آن می‌توانند تحقق بخشان آن تئوری را یعنی اعضای کابینه را بیابند و اما آن رفت که دیدیم.

ب) هر مفهومی که در ساختار معیاری برای گزینش افراد آورده می‌شود اگر به شاخص‌های عینی و روشن برگردان نشود، همچنان آب گل‌آلود خواهد بود و هر کس خود را مصداق آنها می‌داند. اگر معیارها ناقص و مبهم و درهم ریخته باشند و روابط منطقی، و نسبت میان آنها از نظر تقدم و تاخر روشن نباشد کار شناخت درست آدم‌ها دشوار می‌شود.